

چنارستان، منظر گزیده

گزارش: محمد جمشیدیان



را از دوردست‌ها به این نقطه آورده و غرس می‌کند. در حقیقت ماده این خیابان که همه حوادث حول آن شکل گرفته‌اند، محصول کریم ساعی است که امروزه نیز پارکی با نام او همچنان وجود دارد، در حالی که نام خیابان پهلوی از میان برداشته شده و فیلم حتی در معرفی نقاط عطف خیابان به این پارک نپرداخته است. همچنین فیلمساز در عبور از میادین این خیابان، دو منطقه «منیریه» و «امیریه» که از محلات اصیل و قدیمی تهران هستند که جوهره خیابان را تشکیل می‌دهند، را ندیده در حالی که کافه کوچینی فصلی مطول از فیلم را پر کرده است. در وجه اجتماعی و مردمی نیز نگاهی گزینشی بر فیلم حاکم است که در انتخاب تصاویر و مستندات تاریخی قبل و بعد از انقلاب مشهود است، آنطور که فیلم این خیابان را فقط پاتوقی برای رقص خیابانی یا مشتریان کاباره‌ها و کافه‌ها معرفی می‌کند، در مقابل به نقطه عطف مهمی همچون چهارراه ولی عصر که از کانون‌های مبارزات خیابانی رژیم پهلوی بود به فراموشی سپرده می‌شود. در حالی که فاصله میان ولی عصر تا میدان انقلاب در ۱۳۵۷ مهمترین محور انقلاب بود که نام خود را نیز بر آن گذاشت. در این مسیر، چهارراه ولی عصر کانون خاطره‌های مهمی برای تهرانی‌ها محسوب می‌شود که فیلم از آن عبور کرده است. چنارستان انقلاب اسلامی را به عنوان بزرگترین رویداد اجتماعی تهران که خیابان ولی عصر در زندگی آن نقش مهم داشت کم‌رنگ می‌بیند. در علم منظر، یکی از مراجعی که در شناخت درک جامعه از عناصر شهر ایفای نقش می‌کند آثار نخبگان و هنرمندان به آن پدیده است. تجربه فیلم «چنارستان» نشان می‌دهد این شناخت زمانی قابل اتکا خواهد بود که متکی بر روایتی معتدل و کمتر گزینش شده باشد. این روایت البته از جمع هنرمندان و روشنفکران بر می‌آید و نه از فرد آنها.

در مقام نقد، دو سؤال اساسی مورد توجه است. نخست وجه فنی معرفی خیابان که شاید به نظر متخصصان شهری بیشتر مطرح شود تا عموم مردم. اینکه فیلم در معرفی خیابان صرفاً به وجه مادی خیابان نپرداخته، نکته مثبتی بود که به آن اشاره شد، اما افراط در نادیده انگاشتن آن، منظور فیلمساز را در معرفی خیابان به عنوان یک منظر تضعیف کرده است. خیابان، هراندازه هم هویتی اجتماعی داشته باشد، دارای کالبد و ظرفی برای شکل‌گیری آن هویت بوده است. خیابان ولی عصر از آغاز با جوی‌هایی شکل گرفته که عبور آب از آنها امکان کاشت درختان چنار را در دو طرف آن فراهم آورد. بنابراین هم در شکل‌گیری خیابان و هم در ادامه حیات آنها، این «جوی»‌ها بوده‌اند که امروز هم با سیمانی شدن اجازه رشد درختان از آنها گرفته شده است. بی‌توجهی به کف‌سازی سنگی قدیمی خیابان و مقطع خیابان از دیگر ابعاد مادی مغفول مانده چنارستان است. علی‌رغم نامگذاری فیلم، کارگردان به طور درخور به چنارها نیز اشاره نکرده و تنها در پلان‌های پایانی به وضعیت اسفناک آنها می‌پردازد. این در حالی است که حضور این عناصر طبیعی در جای‌جای خیابان مشهود و شکل‌دهنده به ساختار فضایی خیابان است. پرسش دوم از آسیبی است که بر نگاه اجتماعی فیلم وارد است. غلبه نگاه اجتماعی در تعریف یک فضای شهری، یک رویکرد مثبت است، اما آفتی که چنارستان دچار آن شده، نگاه جانبدارانه به بعد معنایی خیابان ولی عصر است. گرایش به روایتی از اشخاص و ابنیه خاص با انتخاب راویان خاص، جامعیت زندگی خیابانی که زشت‌وزیبی و تلخ‌وشیرین را در کنار هم دارد مخدوش می‌سازد. در عصر قاجار، خیابان ولی عصر، مسیری اختصاصی در میان باغ‌های قاجار بوده که از تهران به تجریش می‌رسیده. در دوره رضاخان، این مسیر اختصاصی عمومی می‌شود و کریم ساعی درختان چنار

فیلم «چنارستان» تجربه نو فیلمسازی مستند ایران، به علت موضوع ویژه‌اش در ارتباط با شهر مورد توجه جامعه علمی منظر قرار گرفت. فیلم به معرفی سابقه تاریخی و اجتماعی خیابان ولی عصر می‌پردازد و نام خود را نیز از درختان چنار دو طرف این خیابان گرفته است. این فیلم پیش از اکران عمومی در تاریخ ۲۱ آبان‌ماه با همکاری انجمن عملی معماری منظر دانشگاه تهران در سالن شهید آوینی این دانشگاه به نمایش گذاشته شد. آقای «هادی آفریده» کارگردان این فیلم به همراه «دکتر سید امیر منصوی»، «دکتر احمد علی فرزین» و «دکتر لادن اعتضادی» به همراه جمعی از حاضران در پایان پخش این فیلم در گفتگویی به بیان دیدگاه‌های خود در مورد «چنارستان» پرداختند.

وجه مشترک نگاه چنارستان و نگاه منظرین به شهر، توجه به پدیده شهر به عنوان منظر است که عناصر آن برای شهروندان معنای زیادی دارد. این رویکرد، تغییر نگرشی مثبت به شهر در نگاه متخصصان و هنرمندان ایجاد خواهد کرد. در فیلم چنارستان خیابان یک ماده و کالبد معرفی نشده، بلکه به معنا و ابعاد ذهنی آن نیز پرداخته شده است. کارگردان فیلم برای معرفی خیابان ولی عصر به خاطرات، زندگی شهروندان و مفاهیمی از این دست رجوع کرده که از واکنش حاضران بر می‌آید که موفق عمل کرده است. ما بدون حتی یک عکس هوایی کامل از این راسته بلند شهری، متوجه هویت و شخصیت آن می‌شویم و این یعنی بازشدن بابتی جدید در تعریف خیابان باید به فال نیک گرفته شود. این که نتوان به بخش‌هایی از تاریخ شهر تهران و وقایع آن یا زندگی شهروندان تهران بدون نام بردن از خیابان ولی عصر پرداخت، امتیازی است که فیلم به آن اشاره کرده و خیابان ولی عصر را به عنوان یک منظر که ترکیب واحد و غیر قابل تجزیه به ماده و فضای خیابان است، معرفی می‌کند.



Chenarestan, the Nominated Landscape

Report: Mohammad Jamshidian

“Chenarestan” is new documentary film of Iran which has been scrutinized by scientific communities owing to its particular subject of interest with the city. The film introduces the historical and social background of Valiasr Street and attributes its title to the trees along the street. The film before was displayed on November 12th in collaboration with scientific association of landscape architecture at the University of Tehran prior to its public release. A group of participants including Seyed Amir Mansoury, Dr. Ahmad Ali Farzin and Dr. Laden Etezadi accompanied by Mr. Hadi Afarideh, the director, expressed their views about the film “Chenarestan” in a dialog. The Common aspect of “Chenarestan” and landscape look to the city is considering of the city as a landscape whose elements reveal numerous meanings to citizens. This approach will devise positive attitude to the city for scholars and artists. In the film, the street is not introduced as a material subject, but its meaning and mental aspects are discussed. The director addresses the citizen memories and similar concepts to

introduce this street in a way that one can realize the street character and identity even without an aerial photo. The film introduces Valiasr Street as a landscape combined integrally and fundamentally to the street space.

As a critic, two main questions are queried; firstly, the technical aspects that might be more discussed by urban professionals whereas a street has a body of formed social identity. Valiasr Street owes its trees to the runnels on both sides of the street from the beginning whose shape and old stone stone pavements are neglected in “Chenarestan”. The second question deals with social pathology aspect. A prevailing social view in definition of an urban area is a positive approach; however, the film has a biased view to the meanings of Valiasr Street. In the Qajar era, this street was an exclusive pathway along Qajar gardens. It was opened to public in Reza Khan Period when Karim Saei plants these trees and prunes them. The main component of this street is attributed to Karim Saei whose name became immanent after a garden which

was named after him along this street.

The film also does not refer to this garden although it is considered a landmark in the street. In addition, the filmmaker has disregarded the two regions of “Monirieh” and “Amiriyeh” despite their being the most authentic and old neighborhoods of Tehran while spending more on Koochini Café. There is also a selective dominant look to the film regarding the social and public aspects evident in picture selection and historic documentation in a way that the film introduces the street as a place for street dance, hanging out and cabarets disregarding its prominent milestones such as Valiasr crossroad which was a center of street oppositions in Pahlavi period. In landscape science, the role of intellectuals and artists to these subject matters is one of the references in public perceptions of urban elements. The experience of “Chenarestan” film indicates that this recognition will be reliable when it is based on anecdotal and less selective narrations which are achieved by a group of artists and intellectuals rather than the individuals.